



Strategy-Making Analysis of Iran's Population Policies (A Methodological Reflection on the Population Ecosystem) Population Prescriptions or a Return to Non-Orthogonal Green Dynamism?

Meisam Najjaran

Department of Public Administration, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

E-mail: najjaran.meisam@gmail.com

Article Info	Extended Abstract
Article type: Research Article	Introduction This study presents a critical methodological examination of Iran's population policy ecosystem in response to the country's persistently low fertility rate, which has fallen below replacement level. The proliferation of governmental, legislative, and academic initiatives aimed at stimulating population growth reveals a significant gap: the absence of a coherent, scientifically-grounded, and interdisciplinary analytical framework to inform such strategies.
Article history: Received: 24 February 2025 Received in revised form: 16 May 2025 Acceptance: 16 May 2025 Published online: 3 January 2026	Literature Review The theoretical underpinnings of population dynamics are dissected through five interdisciplinary lenses: 1) The creational/cognitive dimension linking population density and distribution to climatic and ecological fundamentals, as supported by Malthusian and contemporary ecological models. 2) The qualitative/prescriptive dimension concerning human resource development and healthy aging to extend productive lifespans. 3) The descriptive dimension of green technology required to sustainably meet the needs of a growing population. 4) The cultural dimension analyzing the impact of consumerism, lifestyle choices, and shifting values on fertility desires. 5) The cognitive dimension of equilibrium between birth and mortality rates, considering carrying capacity.
Key words : Population policies, Creational dimension, Affirmative dimension.	Methodology This applied qualitative research employs a latent, deductive, and directional qualitative content analysis method. It synthesizes scattered theories from a management science perspective, analyzing a targeted, theoretical, and accessible sample of literature. The approach is systematic, aiming to validate and expand a pre-existing conceptual framework by extracting implicit themes and logical constructs from diverse interdisciplinary sources.
	Findings The meta-synthesis yields a five-dimensional systemic framework for population policy-making, conceptualized as two interacting spheres: The Creational (Non-Orthogonal) Dimension: Represents the cognitive and ecological

foundation where population size is inherently regulated by environmental carrying capacity and long-term natural equilibria, independent of policy intervention.

The Affirmative (Orthogonal) Dimensions: Encompass four prescriptive and policy-actionable domains: 1) Qualitative population enhancement through human development, 2) Green technology development for sustainable resource use, 3) Cultural re-engineering towards values favoring family formation, and 4) Strategic pursuit of demographic equilibrium.

The core finding is that effective population strategy requires choosing between accepting the "non-orthogonal green dynamism" of natural limits and proactively engaging with the integrated and demanding requirements of all four affirmative dimensions.

Conclusion and Recommendations

Current Iranian population strategies are critiqued for lacking a solid, integrated theoretical and methodological foundation. The proposed model serves as a strategic roadmap, emphasizing that policy success hinges on either acknowledging natural demographic forces or committing to a comprehensive, systemic intervention across technological, cultural, and human development fronts. Recommendations include: 1) Adopting this interdisciplinary framework as a blueprint for coherent policy design, 2) Prioritizing investments in green technology and sustainable resource management as a prerequisite for supporting population growth, and 3) Launching cultural and educational initiatives to reshape public perceptions of prosperity, family, and consumption away from materialistic hedonism.

Cite this article: Najjaran, Meisam, (2026).,Strategy-Making Analysis of Iran's Population Policies (A Methodological Reflection on the Population Ecosystem), Population Prescriptions or a Return to Non-Orthogonal Green Dynamism?. *Green Management*, 5(3), 136-150.



© The Author(s).

Online ISSN: 2821-0050

Publisher: Islamic Azad University, Aliabad Katoul Branch.

<https://sanad.iau.ir/journal/jgm>



تحلیل راهبردها در خط‌مشی‌های جمعیتی ایران

(تأملی روش‌شناسانه در اکوسیستم جمعیت)

تجویزات جمعیتی یا بازگشت به دینامیسم سبز نامتعامد؟

میثم نجاران

گروه مدیریت دولتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: najjaran.meisam@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	به استناد منابع آماری، رشد پایین‌تر از نرخ جانشینی سالهای اخیر جمعیت ایران (۱,۲ و یا ۰,۷ درصدی)، مجامع مشورتی، مدیران، دانشگاه‌ها و نهادهای متعدد مدنی را بر آن داشته که طرح‌های متنوع افزایش نرخ مزبور ارائه را دهند. در این مسیر، مقالات، همایش‌ها و مصوبات قانونی و دولتی پرشماری را شاهد بوده‌ایم که همگی حاکی از تلاش‌های مداوم نخبگان و دولتمردان در بنا نمودن کانالی صعودی برای منحنی رشد جمعیت کشور است. لکن با توجه به بررسی تحرکات پیش‌گفته جای خالی یک روش‌شناسی منطقی، علمی و ناشی از تحلیل ابعاد، الگوها و مضامین مشاهده‌ای و کتابخانه‌ای که نحله ذاتی تغذیه برای سیاستگذاری‌های جمعیتی باشد، احساس و درک می‌گردد. لذا پژوهش حاضر که از نظر هدف و ماهیت کیفی و کاربردی محسوب می‌شود منبعث از مدیریت‌گرایی در اتحاد نظریات پراکنده از روش تحلیل محتوای کیفی پنهان، قیاسی و جهت‌دار در مطالعه یک نمونه هدفمند، نظری و در دسترس بهره‌مند است. در بیانی نقادانه چه بسا الگوهای نظری و مضامین منطقی، راهبردنویسی‌های ملی و سازمانی حاضر را پشتیبانی نمی‌کند. این مطالعه نقد و بررسی سیاست‌های جمعیتی ایران از یک لنز سیستمی بوده که نتایج آن در قالب یک الگو ارائه شده است. این نتایج، خروجی بررسی میان‌رشته‌ای و همزمان بعد طبیعت‌گرا و ایجاد جمعیت (شناختی)، بعد توصیفی (تجویزی) کیفی‌سازی جمعیت، بعد توصیفی فناوری سبز تأمین نیازهای جمعیت، بعد توصیفی فرهنگ و بعد شناختی تعادل در مرگ و موالید می‌باشد که طرحی نظام‌مند از ابعاد راهنما برای سیاستگذاری در حوزه جمعیت است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳	
کلمات کلیدی: خط‌مشی‌های جمعیتی، بعد تکوینی، بعد ایجابی.	

استناد: نجاران، میثم، (۱۴۰۴). تحلیل راهبردها در خط‌مشی‌های جمعیتی ایران (تأملی روش‌شناسانه در اکوسیستم جمعیت)، تجویزات جمعیتی یا بازگشت به دینامیسم سبز نامتعامد؟ مدیریت سبز، ۵ (۳)، ۱۵۰-۱۳۶.



نویسندگان

<https://sanad.iau.ir/journal/jgm>

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول.

شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۰۰۵۰

مقدمه

همانند برقراری اصل پدیده برای رفتار فرد، گروه و سازمان و مطالعات مترتب به آن (رابینز، ۱۳۸۵، ۴۴) و نوع‌شناسی آن، رفتار جامعه نیز مطابق پیشینه‌های نظری^۱ از این قاعده مستثنی نیست. هرچند بسیاری از صاحب‌نظران از تعریف علم شالوده‌ای جامعه‌شناسی پرهیز نمودند. لکن در تعاریف ارائه شده، رفتار، یک کلیدواژه مهم است. تغییرات جمعیتی نیز در نوع خود یک حرکت و رفتار بروز نموده از جامعه است ولی عارضه‌یابی و یافتن راهکارهای برون‌رفت از آن عوارض، نیازمند اتخاذ رویکردهای جامع می‌باشد. جامع‌الاشتات و جامع‌الاطراف بودن این علم (وثوقی، ۱۳۸۱، ۷) و پارادایم‌های آن جهت یک نسخه نظری هماهنگ، نیازمند یک خط مونتاژ و میدانگاهی جهت اتحاد و چله‌کشی روشی، میان رشته‌های متفاوت و برشمرده می‌باشد. تحلیل‌های مضمون در قالب‌های موضوعی سطح جامعه و رفتار آن نسبت به قالب‌های فردی، گروهی و سازمانی، مستلزم بهره‌مندی بیشتر از رویکردهای نظام‌گرا و ماتریسی است. چه بسا چنین تحلیل‌هایی نیازمند وام‌داری میان‌رشته‌ای و استفاده از علوم متعدد و دخیل در یک خروجی پخته از مدل تحلیل است. جامعه‌شناسی، روانشناسی، روانشناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی، آمار و سایر علوم رفتاری (رابینز، ۱۳۸۵، ۳۲)، (رضایان، ۱۳۸۳، ۸)، خاستگاه‌های اصیل مطالعه در این سطح می‌باشد. رشد پایین‌تر از نرخ جانشینی سالهای اخیر جمعیت ایران (۱،۲ و یا ۰،۷ درصدی)؛ مجامع مشورتی، مدیران، دانشگاه‌ها و بسیاری از نهادهای تشکیلاتی را بر آن داشته که طرح‌های متنوعی را جهت افزایش نرخ مزبور ارائه دهند. در این مسیر، مقالات، همایش‌ها و مصوبات قانونی و دولتی متعددی را شاهد بوده‌ایم که همگی حاکی از تلاشهای مداوم نخبگان و دولتمردان در جهت بنا نمودن کانالی صعودی و دست‌ساخته برای منحنی رشد جمعیت کشور است. لکن با توجه به بررسی منابع به جا مانده از تحرکات پیش‌گفته جای خالی یک روش‌شناسی منطقی، علمی و ناشی از تحلیل یکپارچه ابعاد، الگوها و مضامین مشاهده‌ای و کتابخانه‌ای که نحله ذاتی تغذیه برای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی باشد، احساس و درک می‌گردد. علم مدیریت و سیاست‌گذاری اداره امور عمومی بهترین نسخه در برآوردن چنین مطلوبی است. بنابراین این مطالعه نه تنها برتائیده از یک پارادایم و رشته علمی در حوزه جامعه‌شناسی نیست بلکه نقدی مضمونی از یک لنز مدیریتی می‌باشد. در این مقال فرض نگارنده براساس مسأله التقاط و تجربیدی بودن خط‌مشی‌ها و روشهای مدیریت جمعیت، شکل گرفته و برای تأیید فرض روش‌شناسانه خود و ارائه یک نسخه روشی جامع و ناشی از مضامین منطقی و علمی از رویکردی نظام‌گرا و

1-Samoel Koenig, Albion Small, Leopold Vonwies

۲. تارنمای مرکز آمار ایران

۳. تارنمای بانک جهانی

مدیریتی بهره جسته است تا بتواند دسته ابعاد و عوامل راهبردساز در تدوین و یا حتی عدم تدوین (دینامیسم سبز نامتعامل) خط‌مشی‌های جمعیتی ایران را شناسایی نماید و برای نظام سیاست‌گذاری جمعیت یک نقشه راه^۱ (طرحی کلی و نظام‌مند) محسوب گردد.

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

در ابتدا لازم است به برخی تعاریف نظری از مهمترین مصرف‌واژگانی این پژوهش یعنی خط‌مشی‌گذاری اشاره شود. همانطور که در مقدمه آمد، در تأیید لزوم مذهب‌گرایی، خط‌مشی‌گذاری علمی چند رشته‌ای است و مفاهیم بسیار گسترده‌ای دارد و تعاریف بسیار زیادی از آن ارائه شده است که بعضی از آنها بیان می‌شود: اندرسون^۲ (2011)، خط‌مشی‌گذاری مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً پایدار، ثابت و هدفمند دولت به منظور حل مسائل یا دغدغه‌های عمومی جامعه است. کیتون^۳ (2007)، خط‌مشی‌گذاری را قوانین و استراتژی‌هایی می‌داند که دولت برای هدایت و مدیریت برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری و غیره تدوین میکند (نجان و همکاران، ۱۴۰۳).

رفتار جمعیت در بعد طبیعت‌گرای ایجاد (جمعیت اقلیمی)

تا به حال از طریق نقشه‌های ماهواره‌ای به فراوانی پوشش گیاهی در مناطق مختلف دنیا نگریسته‌اید؟ چرا بخشی برخوردار از پوشش گیاهی و بخشی بی‌بهره از آن است؟ علت ساده و بدوی آن پدیده‌ای به نام اقلیم است، مایه‌ای بنیادین به نام آب که حیات می‌بخشد و وجود پوشش یا پوشش گیاهی بیشتر را میسر می‌سازد. حال اگر انسان را نیز یک پدیده زیستی محسوب نماییم فراوانی و مورفولوژی اجتماعی آن (وثوقی، ۱۳۸۱، ۱۱ و ۱۲)، حداقل از منظر موالید نیز وابسته به کمیت و کیفیت اقلیم و بسترهای حیات بخش (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۵)، (فرج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹) یا فناوری‌های بهره‌برداری از مقادیر محدود آن است. جمعیت، همواره وابسته به این عامل بسیار مهم یعنی اقلیم و شرایط جغرافیایی می‌باشد، مناطق کویری کم جمعیت و مناطق معتدل پر جمعیت، گواهی برای این استدلال است و از منظری می‌توان اینگونه گفت: که در شرایط نامتعامل بین عامل اقلیم مساعد کشورها و متغیر جمعیت، رابطه مستقیم حاکم است و جمعیت اقلیمی را نتیجه می‌دهد. مگر آنکه این رابطه با عامل نسبتاً ثابت و طبیعی وسعت کشورها، متوسط عمر، نرخ باروری و ناباروری یا عواملی که در ادامه می‌آید (الگوی تکنولوژیک مصرف و فرهنگ) تعدیل گردد.

رفتار جمعیت در بعد توصیف (تجویز) ایجاد

همانطور که نیازهای فیزیولوژیک همانند خوراک، مسکن، بهداشت، پوشاک، انرژی در قاعده وسیع هرم نیازهای اصلی آدمی قرار گرفته و از اولویت و حجم بالایی برخوردار است، خود به پستوانه منابع اقلیمی (بعد طبیعت‌گرا)، عامل بدوی در انتخاب یک خانوار برای

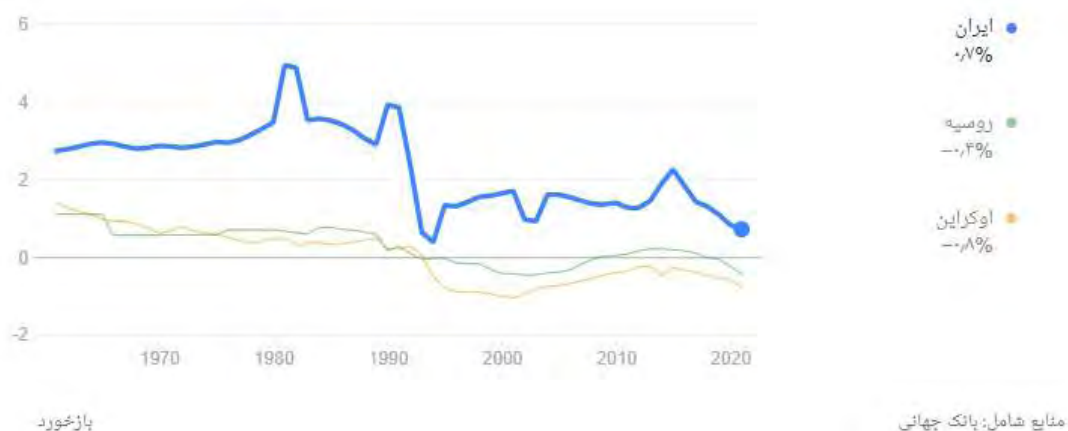
1-Blueprint
2- Anderson
3- Kettunen

برخورداری از تعداد مشخصی از فرزند و نهایتاً میزان جمعیت یا نرخ باروری کلی^۱ (رتوفی و همکاران، ۱۳۹۳) است. حال فرهنگ، سبک زندگی، اهمیت به نیازهای رده بالاتر و عینک اجتماعی زوجین نسبت به سطح زندگی، استاندارد و مطلوبیت رفاهی، می‌تواند عوامل دیگری در تعیین تعداد اعضای خانوار باشد و این همان تفاوت انسان با گیاهان و حیوانات است. در این بخش مهم است که بدانیم فرهنگ تعیین سطح زندگی مطلوب از پالونه عقل می‌گذرد یا لذت؟ معطوف به نیازهاست یا وقف خواسته‌ها؟ به عبارتی در این انتخاب، لذت در خدمت عقل است یا بالعکس؟ آیا سطح مطلوب زندگی همان شکوفایی، معرفت‌شناسی و زیبایی دوستی انسان در رأس هرم نیازها است یا توسعه خواسته‌محور قواعد مادی این هرم، غایت خط تعالی است؟ به عبارتی تعالی از جنس معنویت در دولت‌مندی نهفته است یا بهره‌مندی از لذت سیب اغواگر؟ (دهقان‌زاده و احمدیان، ۱۳۹۵). پاسخ این استفهامات انکاری آن است که یک لئز لذت‌جو، استانداردها و نیازهای متنوع، حجیم و پرهزینه خلق می‌کند و عقل را در همین مسیر بکارگیری می‌کند. این حتی موجب توسعه فناوری‌های خاکستری (غیرلازم و بعضاً مخرب محیط زیست گیاهی، جانوری و انسانی) می‌گردد و می‌تواند داشتن فرزند را به عنوان یک قلم هزینه و یک محدودیت محسوب نماید. امروزه در جامعه ایرانی ما اقشار نود و یا هشتاد درصدی متوسط (صیبی، ۱۳۹۱، ۱۸۵) (نشکری، ۱۳۹۰، ۲۴۱-۲۳۶)، حس فقیر بودن دارند یا واقعاً فقیرند (رفیع‌پور، ۱۳۹۴، ۸۵)؟ تفاوت میان یک فقیر در قاره محروم آفریقا با یک فرد مدعی محرومیت در کشور ما روشن است؟ آیا این دسته از اقشار از تعریف یکسان و واحد فقر، مانند؛ نسبت تولید ناخالص ملی به جمعیت یا استانداردهای جهانی حداقل درآمد شخص برای کالری مورد نیاز روزانه در اقلام خوراک و اقلام غیرخوراک آگاهانند؟ تصویر آنان از استانداردهای رفاهی، متناسب با شرایط درآمدی خودشان است یا دهک‌های غنی درآمدی؟ آیا سقف خواسته‌های آنان متناسب با تاب‌آوری درآمد اقشار متوسط است یا اصلاً سقفی وجود ندارد؟ و یا اینکه آنها از روش‌های صحیح خرج چیزی می‌دانند یا بر روش‌های درآمد بیشتر آگاهانند؟ اگر جامعه ما حاوی ده درصد اقشار غنی بسیار برخوردار باشد، زندگی فقط ده درصد از مردم را هم‌رنگ با اغنیا می‌توان یافت یا درصد بیشتری به سوی این هم‌رنگی و مبانی انسان‌شناسانه غربی (کاشیان و کریمی زارع، ۱۳۹۹، ۱۱۱) مایلند؟ آیا اتومبیل‌های گرانتیمت در خیابان‌ها نیز معرف همین درصد است؟ پاسخ آن است؛ جهانی اقتصادی لذت‌گرا جای تعدد فرزند را گرفته و خواهد گرفت و خانواده تجددخواه، فرزند را مانعی در مسیر رفاه‌طلبی می‌داند و این یک مسأله عمیق فرهنگی است و سهم آثار آن نیز در کاهش درصد رشد جمعیت ایران تا سال ۲۰۲۱ میلادی مطابق شکل ۱ روشن

است^۲!

1-TFR (Total Fertility Rate)

۲. نمودار جمعیت خروجی تارنمای بانک جهانی.



شکل شماره ۱. نرخ رشد جمعیت ایران

با این حال و به هر ترتیب آثار اقلیم و محدودیتهای آن، همواره یک عامل اصلی، چیره و قدرتمند در پدیده جمعیت و جوانی آن است. هرچند دوره‌های بلندمدت زمانی نیز می‌تواند یک عامل تعدیل‌گر محسوب شود که فارغ از بررسی مدلل و دارای موضوعیت، جمعیت را معلولی در سایه علت بدوی اقلیم، سایر علل و تغییراتشان قرار می‌دهد و این کل‌نگری ناشی از این منظر منحنی جمعیت را به صورت یک منحنی هموار با شیب نسبتاً مثبت نمایش خواهد داد.

در یک بعد شناختی، مسأله ما تعادل ایجابی است. در شرایط عقلایی و با اثر ایجاد اقلیم همانند مثال پوشش گیاهی مناطق، میزان مرگ و موالید می‌بایست در یک شرایطی مشخص قرار گرفته و یک اندازه جمعیتی مشخص را به عنوان شناسنامه یک کشور عرضه دارد. چرا که در یک رابطه عکس و در شرایط یکنواخت با رشد مثبت جمعیت، این منابع هستند که کاهش می‌یابند. بطوریکه جمعیت جهان روز به روز افزایش یافته و چنین رشدی را نه تنها برای منابع تأمین‌کننده نیازهای اولیه نمی‌توان قائل شد، بلکه کاهش می‌یابند.

در تحلیلی دیگر از عارضه‌یابی روش‌شناسانه و مبتنی بر الگوهای نظریه‌پردازی، بهترین شکل برای جوانی یک جامعه زیستی با وجود توازن مرگ و موالید، اعمال راهبردهای کیفی‌سازی جمعیت است. مانند توجه به پرورش و توسعه منابع انسانی. در این راهبرد و البته از یک بعد آن به عنوان مثال؛ فاصله از تاب‌افتادگی سالمندان پیر (سند ملی سالمندان، ۱۳۹۹) تا فوت، فارغ از میزان عمر آنان، یک فاصله کوتاه است و فرد در یک دامنه وسیع زمانی دوران هزینه‌ساز از تاب‌افتادگی را طی نمی‌کند و این موجب افزایش فراوانی جمعیت فعال و مولد، توسعه دامنه سنی جوان و البته متوسط عمر است. این بدان معناست که سیاست رشد مثبت و بالاتر از نرخ جانشینی نمی‌تواند بهترین راهکار جهت جوانی جمعیت یا فراوانی جوانان در منحنی توزیع اقشار سنی باشد.

لکن و از منظر توصیفی دیگر در صورت برخورداری از رشد جمعیت مثبت برای استفاده بهتر از منابع، می‌باید به روش‌های بهینه مصرف انرژی و به عبارتی توسعه فناوری سبز به عنوان اولویت توجهات تکنولوژیک روی آورد و این یک الزام اجتناب‌ناپذیر است که می‌تواند وابسته به ویژگی تکامل و تناسب در نظریه عمومی سیستم‌ها باشد (زاهدی، ۱۳۹۱، ۱۱ و ۱۳)، (رامین، ۱۳۸۹). در غیر اینصورت هماهنگی که گفته شد، جمعیت یک پدیده ترویجی و راهبردی‌پذیر نیست و به واسطه عوامل اقلیمی و دوره‌های بلند زمانی دارای یک سازوکار خود تنظیم است و این را تاریخ جغرافیای جمعیت توزیع شهرها تأیید می‌کند. وجود نسبت رشد مثبت در جمعیت کشور ما بدون شک پاسخی منطقی است به روش‌های فناورانه نوین در تولید محصولات غذایی، تا حدودی حامل‌های انرژی و البته پیشرفتهای علمی حوزه بهداشت، پزشکی و زیست‌پزشکی که باعث افزایش سطح متوسط عمر و امید به زندگی شده است (بودیولاس^۱ و همکاران، ۲۰۱۷) (لیختنبرگ^۲، ۲۰۱۷). که البته هنوز نیازمند توسعه روش‌های استفاده بهینه از منابع به ویژه منابع آب می‌باشیم (با علم بر این واقعیت که چرخه بازگشت آب مصرفی به سیکل مصرف مجدد بسیار کمتر از حجم و سرعت مصرف آن به ویژه در بخش کشاورزی و بخش‌هایی است که به آب مصرفی، فاضلاب صنعتی مانند شوینده‌ها اضافه می‌شود). در سایه این عوامل حتی بدون فعالیتهای تربیتی، تبلیغی و ترویجی می‌توان نسبت رشد جمعیت را مثبت نگاه داشت.

با ترویج و تبلیغ رشد جمعیت و اعمال سیاست‌های مقطعی حمایت گسترده بدون در نظر گرفتن زیرساخت توسعه فناوری در بهره‌برداری منابع و البته تعدیل سطح فرهنگ مصرف، مدرنیته و تجددگرایی (تعریف صحیح رفاه برای اقشار متوسط مردمی) ما شاهد نابسامانی‌ها و بحران‌های جدی در آینده خواهیم بود. مضافاً آنکه منویات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی توسعه، جلوه‌گری یک رسالت است. لذا اهتمام در دستیابی به آن منافی یک رشته تعاریف، تصمیم‌ها، برنامه‌ریزی‌های راهبردی و آبخاری (ساختار شکست کار^۳) و البته پژوهش پایه نیست.

مهم آن است که در دست یازیدن به یک رسالت خردمندانه از دالان الگوهای خردمندانه و آزمایش شده بگذریم. الگوهای راهبردی و نظام‌گرایی که رشد جمعیت در آن محصول پرداخت شده‌ای از ابعاد سیستمی بررسی می‌شود. حال در ادامه و در جدول شماره ۱ به نمونه‌ای از الگوها، مضامین مشاهده‌ای و کتابخانه‌ای مورد استفاده در پژوهش و روش تحلیل محتوای جاری در آن اشاره می‌شود.

1-Boudoulas
2- Lichtenberg
3- Work Break Structure (WBS)

جدول شماره ۱. نمونه‌ای از الگوها، مضامین مشاهده‌ای و کتابخانه‌ای مورد استفاده در پژوهش

پژوهش‌های کلیدی بین‌المللی در راستای ارتباط بین شرایط اقلیمی و تراکم جمعیت				
عنوان	نویسندگان	نشریه	سال	خلاصه
توزیع و تراکم جهانی از سطوح نفوذناپذیر ساخته شده	الویج ^۱ و همکاران	سنجش از دور محیط زیست ^۱	۲۰۰۷	بررسی رابطه بین تراکم جمعیت و عوامل محیطی مانند دسترسی به آب و خاک
آب و هوا و تراکم جمعیت انسانی در اروپای دوران هولوسن	تالاورا ^۲ و همکاران	بررسی‌های علوم کواترنری ^۲	۲۰۱۵	تحلیل تأثیر تغییرات اقلیمی بر توزیع جمعیت در اروپای طی دوره هولوسن
تأثیر آب و هوا بر تراکم جمعیت انسان در آمریکای جنوبی	مک‌میشل ^۳ و همکاران	پلاس وان ^۳	۲۰۱۷	ارتباط بین الگوهای اقلیمی و تراکم جمعیت در آمریکای جنوبی
دسترسی به آب به عنوان محدودیتی در رشد جمعیت انسان	ورشمارتی ^۴ و همکاران	پایداری طبیعت ^۴	۲۰۲۰	نقش دسترسی به آب شیرین در رشد جمعیت
الگوهای جهانی توزیع جمعیت انسانی و همبستگی‌های زیست‌محیطی آنها	اسمال و کهن ^۵	مدل‌سازی اکولوژیکی ^۵	۲۰۰۴	مدلسازی رابطه بین عوامل محیطی (اقلیم، ارتفاع، خاک) و تراکم جمعیت
پژوهش‌های کلیدی مروری و نظری در راستای ارتباط بین شرایط اقلیمی و تراکم جمعیت				
مدل سازی توزیع جمعیت انسانی در سطح منطقه با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای با وضوح بسیار بالا	لانگ ^۶ و همکاران	جغرافیای کاربردی ^۶	۲۰۱۳	استفاده از فناوری سنجش از دور برای تحلیل تأثیر عوامل اقلیمی بر جمعیت
تغییر اقلیم و مهاجرت انسان به مثابه یک سازگاری: چالش‌ها و فرصت‌های مفهومی و عملی	براین ^۷	نشریه حقوقی یوسی ایروان ^۷	۲۰۱۸	بررسی تأثیر تغییرات اقلیمی بر مهاجرت و اسکان جمعیت
پژوهش‌های داخلی در راستای ارتباط بین شرایط اقلیمی و تراکم جمعیت				
تأثیر آب و هوا در پراکندگی نواحی جمعیتی	حجازی زاده و نگهبان	نشریه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)	۱۳۸۶	مطالعه موردی ایران و رابطه بین بارش، دما، و تراکم جمعیت
بررسی رابطه بین عوامل، عناصر اقلیمی و تراکم جمعیت با استفاده از مدل AHP و GIS مطالعه موردی: آذربایجان شرقی	اسفندیاری و همکاران	دومین‌کنگره بین‌المللی علوم زمین و توسعه شهری	۱۳۹۵	مطالعه شاخصهای جاذب و اقلیمی جمعیت در مناطق جغرافیایی استان آذربایجان شرقی
آثار گسترش سن جوانی و فعالیت به عنوان یک جایگزین برای سیاستهای رشد جمعیت				
سود سهام طول عمر: سلامت به عنوان یک سرمایه‌گذاری	اولشانسکی و همکاران ^۸	متخصص سالمندی ^۸	۲۰۰۶	این مقاله مفهوم «سود طول عمر» (Longevity Dividend) را معرفی میکند و استدلال میکند که سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های ضدپیری نه تنها سلامت فردی را بهبود میدهد، بلکه با افزایش مشارکت اقتصادی سالمندان، بار مالی سیستمهای اجتماعی را کاهش میدهد. نویسندگان تأکید میکنند که این استراتژی میتواند مکملی برای سیاستهای جمعیتی باشد، اما جایگزین کامل آنها نیست.
پیری، مرگ طبیعی، و فشرده سازی عوارض	فرایز ^۹	مجله پزشکی نیوانگلند ^۹	۱۹۸۰	این مقاله نظریه «فشرده‌گی موربیدیته» (Compression of Morbidity) را مطرح میکند که بر اساس آن، با بهبود سلامت در سنین بالا، دوره ناتوانی پیش از مرگ کوتاهتر میشود. این ایده پایهای برای بحث گسترش دوره جوانی فراهم میکند.
آثار مرتبط با تأثیر فناوریهای سبز بر رشد جمعیت				
تکنولوژی سبز و توسعه پایدار	مرادی و همکاران	مقاله کنفرانسی در سیویلیکا	۱۳۹۵	فناوریهای سبز با حفظ منابع طبیعی و کاهش آلودگی، به توسعه پایدار کمک میکنند.
بررسی رابطه رشد جمعیت و مسایل زیست‌محیطی	سلگی و ضالمحی	مقاله کنفرانسی در سیویلیکا	۱۳۹۵	رشد جمعیت شهری فشار مضاعفی بر منابع طبیعی وارد میکند و مشکلاتی مانند آلودگی هوا و ترافیک را تشدید مینماید. برنامه‌ریزی برای توسعه زیرساختهای پایدار (مانند حملونقل سبز) برای توازن بین رشد جمعیت و محیط زیست ضروری است.
آثار مرتبط با تأثیر فرهنگ بر رشد جمعیت				

- 1-Elvidge
- 2- Remote Sensing of Environment
- 3- Tallavaara
- 4- Quaternary Science Reviews
- 5- McMichael
- 6- PLOS ONE
- 7- Vörösmarty
- 8- Nature Sustainability
- 9- Small, C., & Cohen, J. E
- 10- Ecological Modelling
- 11- Lung
- 12-Applied Geography
- 13- Bryne
- 14- UC IRVINE LAW REVIEW
- 15- Olshansky
- 16- The Gerontologist
- 17- Fries
- 18- New England Journal of Medicine

کاهش نرخ فرزندآوری به سبب مشکلات فرهنگی	صالح قاسمی	خبرگزاری مهر	۱۴۰۰	نگرش فرهنگی و سبک زندگی موجب عدم فرزندآوری می‌شود
فرهنگ و سبک زندگی جامعه مهم‌ترین عوامل مؤثر در ازدواج و فرزندآوری	محمدتقی شفعی	خبرگزاری مهر	۱۴۰۳	عامل مؤثر در کاهش نرخ رشد جمعیت؛ سبک زندگی و فرهنگ

روش‌شناسی

در این پژوهش و در ادامه ضمن تشریح مراحل پردازش الگوی شناختی-توصیفی رفتار جمعیت ناشی از روش تحلیل محتوی، ذکر این نکته که پس از اشراف بر ابعاد گسترده تحلیلی کار تنظیم خط‌مشی و سیاست‌های ایجادی در هدایت رفتارهای جمعیت در مسیر صحیح و به دور از رویکردهای هیجانی و ملتقط خود، قرار خواهد گرفت، لازم است. مسیری که در الگوی ارائه شده و چندبعدی این مقال، مقدمه‌ای راهبردساز و مأموریت‌گزين جهت حرکت به سوی طراحی جامع نظام توسعه پایدار کشور از دریچه جمعیت و مدیریت آن می‌باشد.

بنابراین در پژوهش حاضر به جهت آنکه متن با جنبه‌های ارتباطی محتوا سروکار دارد و تحلیلگر درگیر تفسیر معنای متن است، به جای تحلیل آشکار از تحلیل پنهان استفاده شده است. همچنین در اینجا از تحلیل محتوای قیاسی به قصد سنجیدن صحت مدل با داده‌های مضمونی موجود استفاده شده است. در این نوع تحلیل محتوی، طبقات از قبل شکل گرفته‌اند و محقق مصداق‌های آن طبقات را در متن جستجو می‌کند، که خود مبنایی برای فرضیه آزمایشی است (مؤنی راد و همکاران، ۱۳۹۲). در این باب لازم به ذکر است که پژوهشگر در پیشینه‌یابی کتابخانه‌ای و اینترنتی، منابعی که مستقیماً در عنوان خود هدف این پژوهش را دنبال نمایند و در حوزه جمعیت تحلیل‌های راهبردساز ارائه کنند، نیافته است. همچنین این تحلیل کیفی از نوع جهت‌دار می‌باشد. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار، معتبر ساختن و گسترش دادن چارچوب یا مدل مفهومی پژوهش قبلی و یا نظریه است (پاتر و لوین-دانرستاین، ۱۹۹۹). بنابراین در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی پنهان، قیاسی و جهت‌دار (شی و شانون، ۲۰۰۵) در مطالعه یک نمونه هدفمند، نظری و در دسترس استفاده شده است.

یافته‌ها

تحلیل مضامین و مفاهیم

در روش‌شناسی حاضر برای کشف الگوی راهبردساز در هدایت متغیرهای جمعیتی در توسعه ایران پژوهشگر سعی بر آن داشته از شناخت یک مدل ذهنی جامع و وامدار سطوح هستی‌شناسی تا شیوه‌گرایی و یادآوری تعمق و تتبع در مطالعات پیشین و با بهره‌مندی از میدانی مضمونی متنوع جامعه‌شناسی، اقتصادشناسی، پدیدارشناسی، روانشناسی، روانشناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، آمار و غیره که همگی بستری

جهت بکارگیری فنون هرمنوتیک و تحلیل محتوی می‌باشد تأسی جوید. بنابراین در سطح مضامین علمی مستخرج از منابع که چکیده‌ای از آن در جدول شماره ۲ و منابع مندرج در انتهای مقاله آمده اقدام به استخراج ابعاد معرفت‌شناسانه خط‌مشی نموده و در ادامه صفات نظری آن ابعاد و خط‌مشی مفهومی احصاء و در مدل مفهومی منعکس شده است.

جدول شماره ۲. فرایند نقد مضمونی، تحلیل محتوی پنهان و دستیابی به چارچوب خط‌مشی‌گذاری بهینه

ردیف	مضامین علمی و منطقی میان رشته‌ای	ابعاد معرفت‌شناسانه خط‌مشی ناشی از مضامین علمی و منطقی	صفات نظری بُعد	جایگاه بعد در سیر علل	استخراج خط‌مشی مفهومی
۱	رابطه منابع آب و پوشش گیاهی و جانوری، رابطه منطقی منابع اقلیمی و فرکانس‌های جمعیتی	جمعیت اقلیمی	شناختی	ایجابی (نامتعامل)	نرخ ثابت جمعیت در بسترهای وسیع زمانی به عنوان شناسنامه سرزمینی
۲	امکان توسعه دامنه سنی جوان، امکان کاهش دامنه سنی از کارافتادگی	جمعیت کیفی	توصیفی	ایجابی (متعامل)	رشد مثبت جمعیت از طریق توسعه منابع انسانی
۳	توتولوژی، تناسب، بقای آنسب، بقای اصلح، انتخاب طبیعی، پیچیدگی‌های بلاکاهش، تکامل و تناسب در نظریه عمومی سیستم‌ها، افزایش متوسط عمر، تکامل تدریجی علوم در سایه گذر زمان، امکان بروز رهیافتهای فناورانه در خلق و استفاده از منابع تأمینی	جمعیت فناوری محور	توصیفی	ایجابی (متعامل)	رشد مثبت جمعیت از طریق فناوری سبز به جای فناوری‌های خاکستری
۴	لذت‌جویی و شادی طلبی، عقل‌گرایی و دولتمندی، سبک زندگی مبتنی بر قناعت، توزیع جبری درآمد در سه قشر درآمدی غنی، متوسط، فقیر، مساحت قابل توجه و ثابت شده بین منحنی لورنز و نیمساز، تعریف محرومیت و استاندارد زندگی	جمعیت فرهنگی	توصیفی	ایجابی (متعامل)	رشد مثبت جمعیت از طریق رشد تربیتی و معنویت‌گرایی
۵	منابع (آب، خاک، زمان) مشمول رشد نمی‌شود ولی جمعیت رو به رشد است، رشد صفر در منابع، رشد صفر در جمعیت را میطلبد. در دینامیس تغییرات جمعیتی، صفر یک مقدار معنادار در مقیاس نسبی است.	جمعیت متعادل	شناختی	ایجابی (متعامل)	نرخ ثابت جمعیت به عنوان شناسنامه سرزمینی

همانطور که در جدول شماره ۲ مشخص است: *پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱. خط‌مشی مفهومی ۱؛ محصول مفهوم‌پردازی ردیف ۱: رفتار جمعیت در بعد طبیعت‌گرای ایجابی؛ رشد نامتعامل جمعیت متناسب با زیرساخت‌های طبیعی و اقلیمی (نرخ ثابت جمعیت به عنوان یک پارامتر در شناسنامه سرزمینی کشور).
۲. خط‌مشی مفهومی ۲؛ محصول مفهوم‌پردازی ردیف ۲: بعد ایجابی کیفی‌سازی جمعیت؛ به تعویق انداختن سن پیری و افزایش دوره جوانی و به عبارتی مجاورت غایت تاب‌آوری عمر ناشی از پیری با فوت از طریق راهبردهای توسعه منابع انسانی.
۳. خط‌مشی مفهومی ۳؛ محصول مفهوم‌پردازی ردیف ۳: بعد ایجابی فناوری تأمین نیازهای جمعیت؛ قابلیت‌های استفاده بهینه از منابع تأمین‌کننده مقدم‌ترین و حجیم‌ترین نیازهای بشر (زیستی، امنیتی) به ویژه منبع راهبردی آب.

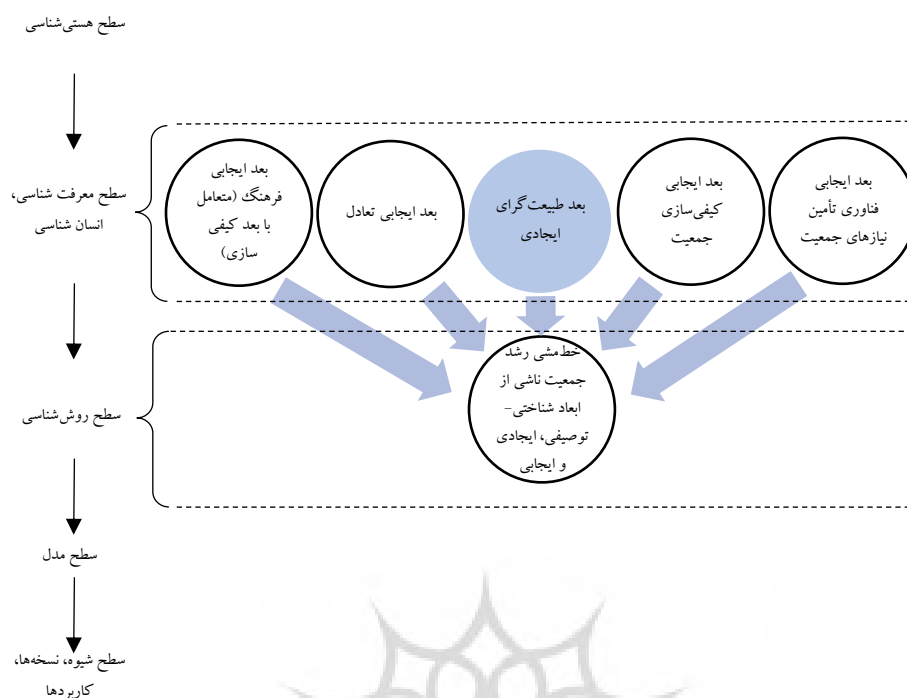
۴. خط‌مشی مفهومی ۴؛ محصول مفهوم‌پردازی ردیف ۴: بعد ایجابی فرهنگ (متعامل با بند ۲)؛ برخورداری از جامعه تربیتی و معنوی که تعالی را از دریچه عقل می‌جوید نه لذت! (دارای ارزشمندترین نتایج در میان ابعاد موجود مانند؛ قناعت در تعریف سقف نیاز و مطلوبات رفاهی، تمدن‌خواهی به جای تجددخواهی، فقیربینی به جای غنی‌بینی، داشتن فرزند کیفی به عنوان قلم سرمایه نه هزینه برای خانواده، توسعه فناوری سبز (در حوزه تأمین نیازهای اولیه تا خودشکوفایی معنوی) به جای فناوری خاکستری (حوزه نیازهای کاذب و ناشی از لذت‌گرا) و بسیاری از ثمرات دیگر). در سایه چنین نظامی از فرهنگ، برخورداری از رشد مثبت و درون‌زای جمعیت نتیجه‌ای مطلوب محسوب می‌شود.

۵. خط‌مشی مفهومی ۵؛ محصول مفهوم‌پردازی ردیف ۵: بعد تعادل؛ راهبردی‌پذیری و هدایت جمعیت برای دستیابی به رشد صفر صرف نظر از تعدیل‌گری بعد شماره ۲، ۳ و ۴، (کم هزینه، نظری و شناختی). بهره‌مندی از یک شناسنامه واحد جمعیتی در کشور و در دامنه‌های وسیع زمانی (وابسته به اثر بعد شماره ۱) و بی‌نیازی از فوریت‌های تأمینی که ویژگی بارز این بعد است.

بوریل و مورگان (۱۳۹۳)، در یک ادعای محوری بیان می‌دارند تمامی نظریه‌های سازمان بر فلسفه‌ای از علم و نظریه‌ای از جامعه مبتنی است با توجه به بعد اول این ادعا برخی از پیش فرض‌های فلسفی را بررسی می‌کنند که مبنای رهیافت‌های مختلف علوم اجتماعی هستند. آنها استدلال می‌کنند که برای سهولت می‌توان علوم اجتماعی را بر اساس چهار مجموعه از پیش فرض‌ها که مربوط به هستی‌شناسی^۱، معرفت‌شناسی^۲، ماهیت انسان و روش‌شناسی است مفهوم‌سازی کرد (بوریل و مورگان، ۱۳۹۳، ۱۳-۹). از این رو نتایج این سعی علمی در دو سطح سیستم چند بعدی شناخت، توصیف و روش، مطابق شکل ۲ ارایه شده است (زاهدی، ۱۳۹۱، ۲۳). لذا همانطور که تا کنون در هدف پژوهش حاضر روشن بوده تلاش پژوهشی در راستای شناسایی ابعاد متفاوت معرفتی و روشی تدوین خط‌مشی جمعیتی با توجه به زمینه‌های متفاوت آن قرار می‌گیرد که در سطح مفهوم، خود یک نقشه کلی راه محسوب شده و در سرچشمه اقدام برای خط‌مشی‌گذاران به عنوان یک مدل کاربردی نقش‌آفرینی می‌نماید. بدیهی است پیش‌فرض‌های مترتب به سطح مدل و شیوه‌ها به امور فنی ناشی از یک خط‌مشی بخصوص مربوط است. به طور مثال در صورت انتخاب سیاست توسعه فناوری سبز از روش و خط‌مشی برخورداری از رشد مثبت جمعیت، سطح مدل و شیوه‌ها؛ راهکارها و فنون دستیابی به این سطح از فناوری را در بر گرفته که طبیعتاً در حیطه تخصصی و هدف این مقاله نمی‌باشد.

1-Ontology

2- Epistemology



شکل ۲. طرح کلی انتخاب راه و خط‌مشی رشد جمعیت

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در این بررسی علت و معلولی و به تعبیری عارضه‌یابی روش‌شناسانه که خود ناشی از حاکمیت اثبات شده علم‌گرایی در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات جمعیتی و نه سلايق تجریدی می‌باشد، یافتیم یک قالب و مجموعه‌ای از پیش‌فرضهای تعریف شده در نظریه‌پردازی معرفت‌یك طرح روشن در تبیین وضعیت رشد و کاهش جمعیت و خط‌مشی‌های (روشهای) دولتی مترتب به آن است. در طرح ارائه شده، يك جغرافیای علمی و به دور از پراکنده‌گی‌های نظری دست‌یازیدن به نسخه‌های کاربردی، ظاهر گشته است. واضح است که مدل انتخاب خط‌مشی رشد جمعیت، از يك سو ترکیب و تلفیقی از ابعاد شناختی، توصیفی (تجویزی) و از طرفی دیگر ترکیبی از ابعاد ایجادي و ایجابی است. حال آنکه تأثیرپذیری خط‌مشی‌های جمعیتی از ابعاد ایجابی مستلزم يك سازوکار مداخله‌ای بوده و اقدامات گسترده سازمانی و روشمند را می‌طلبد و در مقابل تأثیرپذیری این خط‌مشی‌ها از بعد ایجادي، مستقل از محرک‌های هدایت‌گر بوده، وابسته به اکوسیستم جمعیت و شرایط زیستی آن می‌باشد.

به عبارتی نتیجه دیگر در مقاله حاضر آن است که در صورت انتخاب روش‌پذیری و یا هدایت متعادل اندازه جمعیت به سوی يك سطح مشخص از رشد، خط‌مشی‌گذاران و سیاستگذاران را به انتخاب ابعاد سبز تجویزی و ایجابی ملزم می‌گرداند. در غیر اینصورت قدرت و یا

دینامیسم سبز نامتعامل و طبیعت‌گرای جمعیت که یک بعد شناختی و ایجاد است معادله جمعیت و رشد آن را تعیین خواهد کرد. بدیهی است در صورت اول، رعایت تمامی الزامات یکپارچه و زیرساختی خطمشی‌های متعامل و ایجابی در بخش الگو، نسخه‌ها و کاربردها و یا پیش‌فرض‌های مترتب به سطح مدل و شیوه‌ها که به امور فنی ناشی از یک خطمشی بخصوص مربوط است، متضمن موفقیت این شق می‌باشد.

همچنین در منظری دیگر از یافته‌های فوق این نتیجه حاصل می‌گردد که در تمامی نهله‌های راهبردساز ناشی از تحلیل مضمونی پنج‌بعدی یک عامل مهم نقش آفرینی می‌نماید و به نوعی محدودیت و نرخ ثابت فراوانی آن در تمامی خطمشی‌های مفهومی لحاظ شده است. این عامل هم منابع زیستی جوامع انسانی می‌باشد که همواره مطابق نظریه دوباره احیا و بازبینی شده توماس مالتوس^۱ (۱۷۹۸) (کوهن، ۱۹۹۵) از یک نقش تعیین‌کننده برخوردار است.

منابع

- اسفندیاری، فریبا؛ موسی پور، توحید؛ و دانشور، حسین، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین عوامل، عناصر اقلیمی و تراکم جمعیت با استفاده از مدل AHP و GIS مطالعه موردی: آذربایجان شرقی، دومین کنگره بین‌المللی علوم زمین و توسعه شهری، تبریز.
- بویلر، گیسبورن؛ و مورگان، گرت، (۱۳۹۳)، نظریه‌های کلان جامعه شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ هفدهم، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت.
- خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات بازتاب.
- دهقان زاده، سجاده؛ و احمدیان، فاطمه، (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای اصل لذت در فلسفه چارواکه و فلسفه اپیکوری، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۱۸(۱)، ۱۶۷-۱۴۳.
- رابینز، استیفن، پی، (۱۳۸۵)، رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسایان و سیدمحمد اعرابی، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رامین، فرح، (۱۳۸۹)، تکامل‌گرایی الحادی در بوته نقد، الهیات تطبیقی، ۱۱(۱)، ۵۸-۳۷.
- رضاییان، علی، (۱۳۸۳)، مدیریت رفتار سازمانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۹۴)، توسعه و تضاد، چ دهم، تهران: نشر انتشارات.
- رونوفی، دیبا؛ ایدنی، فریبا؛ هاشمیان، میترا؛ و احمدیان، محمد، (۱۳۹۳)، نرخ باروری کلی و سیاست‌های فعلی وزارت بهداشت، بهروز، ۲۵(۹۰)، ۶۹-۶۶.
- زاهدی، شمس‌السادات، (۱۳۹۱)، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روشها، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سند ملی سالمندان کشور، (۱۳۹۹)، دبیرخانه شورای ملی سالمندان، قابل دسترسی در: http://snce.ir/?page_id=۲۳۳۶۹
- صمیمی، جعفر، (۱۳۹۱)، اقتصاد بخش عمومی، جلد اول، چ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- کاشیان، عبدالمحمد؛ و کریمی زارع، صانمه، (۱۳۹۹)، شادی و اقتصاد: یک تحلیل انتقادی، راهبرد توسعه، ۱۶(۴)، ۱۳۲-۹۸.
- فرج زاده، منوچهر؛ دارند، محمد؛ و فقیه زاده، سقراط، (۱۳۸۹)، ارتباط پارامترهای اقلیمی با مرگ و میر جمعیت شهر تهران، برنامه ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، ۱۴(۲)، ۳۰۲-۲۸۹.
- لشکری، محمد، (۱۳۸۸)، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، [کتاب الکترونیکی]، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش هاشم؛ و مزینی؛ ناصر، (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، اندازه‌گیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۲۲۲-۱۸۷.
- نجانی، نسرین؛ معطوفی، علیرضا؛ و فرهادی محلی، علی، (۱۴۰۳)، طراحی مدل سطح‌بندی ابعاد مدیریت منابع انسانی سبز با رویکرد خطمشی‌گذاری، مدیریت سبز، ۲(۲)، ۲۹-۴۱.

^۱ توماس رابرت مالتوس (Thomas Robert Malthus)، اقتصاددان و جمعیت‌شناس انگلیسی، در کتاب مشهور خود با عنوان «مقاله‌ای درباره اصل جمعیت» (۱۷۹۸)، نظریه‌ای را مطرح کرد که به «مالتوسیسم» معروف شد. این نظریه بر رابطه بین رشد جمعیت و محدودیت منابع طبیعی تمرکز دارد. خلاصه ایده اصلی مالتوس به شرح زیر است:

- وثوقی، منصور، (۱۳۸۱)، مبانی جامعه‌شناسی ۱، ج شانزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- Boudoulas, K. D., , Triposkiadis, F., Stefanadis, C., Boudoulas, H., (2017), The endlessness evolution of medicine, continuous increase in life expectancy and constant role of the physician, *journal of Hellenic Journal of Cardiology*, 58(5), 322-330
- Campante F. R. Yanagizawa-Drott D. H., (2013), Does religion affect economic growth and happiness? Eidence from Ramadan, Cambridge, *Jornal of national bureau of economic research*.
- Cohen, J. E., (1995), Population Growth and Earth's Human Carrying Capacity, *Science*, 269, 341-346.
- Darwin, C., (2015), Fitness, Substantive revision, Available at: <https://plato.stanford.edu/entries/fitness/#ProIntFit>
- Lichtenberg, F. R., (2017) The impact of biomedical innovation on longevity and health, *Journal of Health Economics*, 5(1), 45-57
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E., (2005), Three Approaches to Qualitative Content Analysis, *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- Potter, W. J., & Levine-Donnerstein, D., (1999), Rethinking validity and reliability in content analysis, *Journal of Applied Communication Research*, 27, 258-284.

